

جامعه‌پذیری حرفه‌ای و تربیت گزارشگران اقتصادی در مالاوی^۱

[مطالعه موردی روزنامه‌های دیلی‌تایمز و نیشین]

ترجمه: محسن میرزا ابوالحسن خان ایلچی^۲

چکیده:

سهم اخبار حوزه اقتصادی (مترجم: در تعریف روزنامه‌نگاری، **Journalism business** به معنی روزنامه‌نگاری اقتصادی که در بسیاری از موارد به خطا روزنامه‌نگاری تجاری که ملهم از روزنامه‌نگاری شرکتی و آمیخته به محتوای آگهی است، ترجمه می‌شود) در قاره آفریقا در مقایسه با سایر موضوعات در عرصه رسانه‌ها طی چند دهه گذشته به طور شگفت‌انگیزی افزایش یافته است. با وجود آنکه نقش کلیدی روزنامه‌نگاری اقتصادی در قاره آفریقا به رسمیت شناخته شده، اما همچنان در مورد کسانی که اخبار اقتصادی را تولید می‌کنند، آگاهی عمومی اندکی وجود دارد. بیشتر پژوهش‌هایی که در مورد روزنامه‌نگاری اقتصادی انجام شده، روی تحلیل محتوای اخبار این حوزه متمرکز شده‌اند و کمتر به فرآیندهای خاصی که از رهگذر آن، روزنامه‌نگاران یاد می‌گیرند و تربیت می‌شوند، اشاره دارد. یافته‌های این پژوهش، برگرفته از مصاحبه‌های مفصل با گزارشگران اقتصادی و سردبیران دو روزنامه پیشرو و تراز اول در کشور مالاوی یعنی روزنامه‌های دیلی‌تایمز و نیشین است.

از پژوهش‌های انجام شده، دو نتیجه‌گیری عمده به دست آمده؛ اول اینکه روزنامه‌نگاران اقتصادی از حیث رشته تحصیلی و پیش‌زمینه‌های حرفه‌ای با یکدیگر تفاوت بسیار دارند. دوم

^۱ این مقاله ترجمه مقاله ایست به قلم ایلارد اسپنسر مانجاویرا مدرس دانشکده روزنامه‌نگاری و مطالعات رسانه دانشگاه مالاوی با

عنوان:

the Daily Times ... the Nation

^۲ دانشجوی دکترای تخصصی علوم ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

اینکه اکثریت قریب به اتفاق آنها، فاقد آموزش رسمی و مهارتی لازم برای ورود به حوزه روزنامه‌نگاری اقتصادی هستند.

این مقاله پژوهشی توصیه می‌کند؛ گزارشگری اقتصادی باید تبدیل به هسته اصلی آموزش و مهارت‌آموزی روزنامه‌نگاری و برنامه‌های آموزشی باشد تا از این طریق بتوان روزنامه‌نگاران را آماده پوشش رسانه‌ای مسائل اقتصادی کرد.^۱

کلمات کلیدی: روزنامه‌نگاری اقتصادی، آموزش، راهنمایی، تعلیم، جامعه‌پذیری، تخصص‌گرایی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۱۹

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ باوجود اینکه چندین دهه از اولین تجربه روزنامه‌نگاری اقتصادی در ایران می‌گذرد، اما به نظر می‌رسد که این حوزه از مطبوعات کشور در مرحله جنینی قرار دارد، زیرا نظام آموزش دانشگاهی و حرفه‌ای کشور برنامه منسجمی برای بهبود و پیشرفت هدفگذاری شده برای آن ندارد. این مقاله نگاهی است به تجربه یک کشور آفریقایی در مرحله گذر از نظام سنتی است که وقتی به دقت به آن می‌نگریم، مشابهت‌های تاریخی فراوانی با سایر کشورهای در حال توسعه دارد. مترجم

مقدمه

همگام‌سازی یا جامعه‌پذیری حرفه‌ای، آموزش و تربیت روزنامه‌نگاران اقتصادی از جمله حوزه پژوهشی است که در آفریقا مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. بسیاری از تحقیقاتی که تاکنون انجام شده، بر محور تحلیل محتوای [این نوع روزنامه‌نگاری] متمرکز شده و به بررسی این مساله پرداخته‌اند که چگونه مطبوعات اقتصادی موضوعات یا رویدادهای خاص این حوزه را پوشش می‌دهند. به‌عنوان مثال (Kariithi and Kareithi ۲۰۰۷) تحلیل گفتمان انتقادی را در مورد پوشش رسانه‌ای جنبش ضدخصوصی‌سازی در سال ۲۰۰۲ در آفریقای جنوبی انجام داد یا (Kula ۲۰۰۴) در مورد پوشش اخبار مربوط به تورم در رسانه‌های مکتوب آفریقای جنوبی به پژوهش پرداخت و (Manda and Chirwa ۲۰۰۷) بر بررسی روند گزارشگری بودجه در رسانه‌های مالوایی متمرکز شد.

با توجه به افزایش روزافزون نقش گزارشگری اقتصادی و اهمیت آن در چارچوب‌های رسانه‌ای آفریقا در دهه گذشته و زمینه‌سازی که روزنامه‌نگاران برای مباحثی پیرامون حوزه اقتصاد سیاسی ملل میزبان ایجاد کرده‌اند، تحقیق روی جامعه‌پذیری یا همگام‌سازی حرفه‌ای، تعلیم و تربیت گروهی از گزارشگران متخصص بسیار قابل توجه و ارزشمند خواهد بود.

این تحقیق تلاش دارد تا جامعه‌پذیری حرفه‌ای و تعلیم و تربیت گزارشگران حوزه اقتصادی در مالوای را مورد پژوهش قرار دهد. هدف این تحقیق فهم روندی است که از رهگذر آن افراد تبدیل به گزارشگری خبری در حوزه اقتصادی می‌شوند. بر همین اساس، پژوهش حاضر سوالات کلیدی زیر را مدنظر قرار می‌دهد:

یک: چه مسائل انگیزشی موجب می‌شود روزنامه‌نگاران مالوایی به گزارشگری در حوزه اقتصادی روی بیاورند؟

دو: این روزنامه‌نگاران چه فرآیندی را برای تبدیل شدن به گزارشگران متخصص این حوزه طی می‌کنند؟

سه: چه کسانی در این زمینه به آنها مشاوره می‌دهند؟
چهار: آنها چه تحصیلات و آموزش‌هایی در این زمینه می‌بینند؟
پنج: به عقیده آنها، چه آموزش‌ها و تحصیلاتی برای تبدیل شدن به یک گزارشگر تاثیرگذار در حوزه اقتصادی لازم است؟

روزنامه‌نگاری اقتصادی به مثابه حوزه فرعی گزارشگری خبری

روزنامه‌نگاری اقتصادی نه فقط به تمامی گزارش‌های مکتوب حوزه اقتصاد اطلاق می‌شود، بلکه تمامی گزارش‌های اقتصادی را نیز در برمی‌گیرد (۸: ۲۰۰۶: Roush). به اعتقاد Kariithi (۲۰۰۳) روزنامه‌نگاری در سه حوزه اقتصادی، اقتصادی و بازارهای مالی با وجود آنکه حد و مرزهای مشخصی دارد، اما در بیشتر اوقات با یکدیگر اشتباه گرفته شده و خلط می‌شوند. روزنامه‌نگاری اقتصادی رشته‌ای است که به پوشش وقایع و موضوعات ملی و بین‌المللی اقتصادی پرداخته و بر پوشش موضوعات اقتصادی محلی با تحلیلی عمیق و به روز متمرکز می‌شود و روزنامه‌نگاری بازارهای مالی چشم‌انداز خریدی را برای بازارهای مالی تدارک می‌بیند (Kariithi, ۲۰۰۳: ۱۵۳). در این پژوهش اصطلاح روزنامه‌نگاری اقتصادی برای اشاره به هر سه رشته به کار می‌رود.

«روش» (۲۰۰۴: ۲) معتقد است در میان رسانه‌های عصری که در آن زندگی می‌کنیم، هیچ رشته‌ای مهم‌تر از روزنامه‌نگاری اقتصادی وجود ندارد و به همین علت گزارشگری پرهیاهوی اقتصادی در میان دموکراسی‌ها و اقتصادهای نوظهور تشویق و تقویت می‌شوند. «ولس» (۲۰۰۱: ۱۸) اشاره می‌کند که این رشته از روزنامه‌نگاری جایگاه خاصی را برای خود کسب کرده است، چنان‌که می‌توان آثار آن را در صفحات مجزا از روزنامه‌ها، برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی و همچنین انتشار کتاب‌های تخصصی با به کارگیری گروه‌های ویراستاری خاصی که

در زمینه اقتصادی تخصص دارند، مشاهده کرد. بدین ترتیب روزنامه‌نگاری اقتصادی توانسته حوزه فرعی متمایز و موجهی را در میان گزارشگری خبری همراه با هنجارها و سازوکارهای خاص خود ایجاد کند. (Kjaer and Slaata, ۲۰۰۷:۳۸)

روزنامه‌نگاری اقتصادی در مالاوی

اگرچه سال‌های متمادی خبرهای حوزه اقتصاد یکی از مهم‌ترین حوزه‌های خبری در میان رسانه‌های مالاویایی بوده، اما نهادینه‌سازی روزنامه‌نگاری اقتصادی به مثابه یک حوزه تخصصی در کار روزنامه‌نگاری تقریباً روند رو به پیشرفت جدیدی داشته است. سابقه پیشین این مساله، به حدود ۲۰ سال پیش بازمی‌گردد. همان‌گونه که Chimombo and Chimombo (۱۹۹۶) اشاره کرده است؛ نشریات از رده خارج شده The Malawi Financial Post و The Malawi Financial Observer که در اوایل دهه ۹۰ پا به عرصه گذاشتند، اولین نمونه‌های بالقوه نشریات اقتصادی بودند. هرچند محتوای آنها بیشتر جنبه سیاسی داشت تا مالی. بدین ترتیب تا زمان حاضر مالاوی فاقد یک روزنامه مستقل در زمینه اقتصادی (-free standing business newspaper) بود و به جای آن، اخبار اقتصادی بخشی از اخبار حوزه عمومی یا با عنوان ضمیمه (supplement) این اخبار منتشر می‌شد. ظهور گزارشگری اقتصادی در مالاوی در نتیجه برقرار شدن سیستم سیاسی لیبرال در سال ۱۹۹۴ در این کشور رخ داد. در پی پایان نظام تک‌حزبی موضوعات اقتصادی و مرتبط با تامین رفاه عمومی به مباحثه اصلی سیاسی و مدنی بدل شد.

مردم نسبت به عملکرد اقتصاد آگاه‌تر شدند و بیشتر متوجه شدند که چگونه اقتصاد می‌تواند بر زندگی و حیات آنها تاثیر بگذارد. به عنوان مثال در انتخابات ملی، مدیریت اقتصادی و ارتقای

استانداردهای زندگی، مهم‌ترین موضوعات کمپین تبلیغاتی احزاب سیاسی و نامزدها شد. ماندا

و چیروا (۲۰۰۷:۲) اعتقاد دارند گزارشگری اقتصادی، فضایی ایجاد کرد که در آن مباحث عمومی درباره اقتصاد ملی با مشارکت شهروندان در فرمول‌بندی، استقرار و ارزیابی بودجه ملی شکل گرفت.

گزارشگری اقتصادی در مالاوی علاوه بر تمرکز روی بودجه ملی، به طور همزمان به موضوعاتی نظیر محاسبات عمومی، حاکمیت شرکتی و عملکرد اقتصاد در حوزه بخش خصوصی وارد شد. به رغم آنچه ذکر شد، مالاوی در میان سایر کشورهای آفریقایی همچنان فاقد یک روزنامه‌نگاری پیشرفته در حوزه اقتصادی است. این مساله دو علت عمده دارد:

اول سلطه ۳۰ ساله نظام تک‌حزبی اجازه عمل به هیچ‌یک از مدارس روزنامه‌نگاری را تا زمان استقلال این کشور نمی‌داد. (Chimombo and Chimombo, ۱۹۹۶:۶) نظام رسمی

تعلیم و تربیت روزنامه‌نگاری تنها پس از استقرار نظام چندحزبی در سال ۱۹۹۴ ایجاد شد.

دوم اینکه مدل‌های نظام کنونی آموزش روزنامه‌نگاری بر آموزش روزنامه‌نگاری عمومی تاکید و تمرکز می‌کنند. (Jamieson, ۲۰۰۵:۲۹) از آنجا که هیچ برنامه آموزشی رسمی برای روزنامه‌نگاری اقتصادی وجود نداشته، گزارشگران حوزه عمومی به سادگی به روزنامه‌نگاران حوزه اقتصادی بدل شده‌اند. این مساله نیازمند تحقیق و پژوهش بیشتری در خصوص تربیت و جامعه‌پذیری روزنامه‌نگاران اقتصادی است زیرا روزنامه‌نگاری اقتصادی با چالش‌های منحصربه‌فرد و پیچیده‌ای روبه‌رو است.

گزارشگری اقتصادی در روزنامه‌های دیلی تایمز و نیشن

دوروزنامه The Nation و The Daily Times تنها روزنامه‌های مالاوی هستند.

روزنامه The Daily Times قدیمی‌ترین روزنامه در مالاوی است. این روزنامه در اوایل دهه

۱۹۶۰ از سوی خانواده اولین رئیس‌جمهور در دوران بعد از استقلال یعنی دکتر «هیتسنگ کاموزو باندا» تاسیس شد.

The Nation که مالک آن یکی از سیاستمداران کارکشته به نام «آلک باندا» است، در سال ۱۹۹۳ و در جریان تبدیل این کشور از نظام تک‌حزبی به نظامی چندحزبی تاسیس شد. هر دو روزنامه گزارشگری در حوزه اقتصادی را در ملاوی چارچوب‌بندی کرده و ترویج دادند و به همین دلیل هر دوی آنها شایسته این پژوهش هستند، زیرا حجم اخباری که در این دو روزنامه به پوشش موضوعات مربوط به حوزه اقتصادی اختصاص داده شده است بیش از سایر رسانه‌های ملاوی است. افزون بر اینها، آنها از این جهت که سرویس مجزایی را برای حوزه‌های اقتصاد تجارت در کنار سایر سرویس‌ها نظیر سیاسی، سرگرمی یا ورزش ایجاد کرده‌اند، حائز اهمیت هستند.

هر دو روزنامه، کارشناسان تمام وقتی را برای سرویس اقتصادی در نظر گرفتند که دفاتر آنها در شهر تجاری بلانتیر و نمایندگی‌های محلی در لیلانگوی و مزوزو است. در زمان انجام این پژوهش هر دو روزنامه تیراژی بین ۱۲۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ نسخه در روز دارند. (MISA ۲۰۱۲:۴۷)

سرویس تحریریه اقتصادی در روزنامه The Nation در سال ۱۹۹۵ و همین سرویس در روزنامه The Daily Times در سال ۱۹۹۶ راه‌اندازی شد. The Daily Times چهار صفحه به اخبار روزانه حوزه اقتصادی اختصاص داده و هر چهارشنبه ضمیمه‌ای ۱۶ صفحه‌ای با عنوان The businessTimes منتشر می‌کند. The Nation نیز چهار صفحه اخبار روزانه حوزه اقتصاد دارد که هر روز به غیر از یکشنبه‌ها به چاپ می‌رسد و در کنار آن ضمیمه‌ای هشت صفحه‌ای را هر یکشنبه منتشر می‌کند.

ساختار تحقیق و روش‌شناسی

در این پژوهش برای پاسخ به سوالاتی که در آغاز آن مطرح شد به یک مورد پژوهی می‌پردازیم. همان‌گونه که استیک (۱۱۲: ۱۹۹۵) یادآور می‌شود، موارد خاص از این جهت انتخاب و مورد مطالعه قرار می‌گیرند چون «به مثابه ابزاری برای فهم بیشتر مساله، موضوع یا مفهومی خاص مفید بوده و به کار می‌آیند.»

این پژوهش که روی روزنامه‌نگاران اقتصادی در دو روزنامه تراز اول در کشور مالوی متمرکز شده با جمع‌آوری اطلاعات از طریق ارتباط چهره به چهره و انجام مصاحبه‌هایی با گزارشگران منتخب در این روزنامه تلاش کرده تا پاسخ سوالات خود را بیابد.

مصاحبه‌ها به صورت نیمه‌ساختاریافته بوده و هر کجا که لازم بوده، از مصاحبه‌شوندگان به تناسب کاری که انجام می‌دهند سوالات متنوعی شده است. این مساله موجب شد پاسخ‌دهندگان بتوانند آزادی بیشتری در پاسخ به سوالات داشته باشند و فضای مصاحبه‌ها برای تبیین مشکلات موجود در روزنامه‌نگاری اقتصادی بازتر شود. اطلاعات بیشتر از طریق مصاحبه‌هایی مفصل با دبیر این روزنامه صورت گرفت. در زمان انجام این پژوهش هر دو روزنامه تقریباً بین چهار یا پنج گزارشگر داشتند. در مجموع ۱۱ نفر که شامل ۹ گزارشگر و دو دبیر بود، در این پژوهش مشارکت کردند.

مصاحبه‌های مزبور این امکان را فراهم کرد که اطلاعات به صورت کلمه به کلمه از درون متن‌ها استخراج شود. آن وقت پژوهشگر معنای کلمات داده‌ها را تفسیر کرده و در قالب یک شیوه منسجم و انتقادی ارائه کرده است.

محقق آن بخش‌هایی از مصاحبه‌ها را گزارش کرد که بیشتر معطوف به سوال تحقیق بوده و از میان روایت‌ها، آن دسته از نقل قول‌های مرتبطی مورد استفاده قرار گرفت، مبین یافته‌های مهم در ارتباط با تحقیق بوده است.

یافته‌های پژوهش

انگیزه روزنامه‌نگار اقتصادی شدن

تحلیل داده‌های ماخوذ از مصاحبه‌ها نشان داد که مصاحبه‌شوندگان تبدیل شدن خود را به گزارشگر اقتصادی نقطه عطف و شانس بزرگی در سابقه کاری خود می‌دانند.

البته دگرذیسی آنها از یک خبرنگار حوزه عمومی به گزارشگری در حوزه اقتصادی فقط یک علت نداشته است. آنها انگیزه‌های متنوعی را برای انتخاب روزنامه‌نگاری اقتصادی به عنوان مسیر کاری خود عنوان می‌کنند. با وجود این، از تحلیل داده‌های موجود در مصاحبه‌ها، سه الگوی بنیادین کاری به عنوان چارچوب برای انگیزه خبرنگاران سربرآورد: آنها که به دلیل هیجان خبرهای جنجالی روزنامه‌نگار شده بودند، آنها که صرفاً به دلیل گزارشگری در حوزه‌ای متفاوت وارد سرویس حوزه اقتصاد شده بودند و آنها که تحت اجبار شرایط کاری به این حوزه روی آورده بودند.

خبرنگار *The Daily Times* جزء آن دسته اندکی بود که هیجانات درونی‌اش او را به سمت گزارشگری در حوزه اقتصادی سوق داده بود. او توضیح می‌دهد: «روزنامه‌نگاری اقتصادی برای من حوزه نامکشوفی بود، به همین خاطر می‌خواستم یک کار منحصر به فرد در روزنامه‌نگاری مالاوی انجام دهم تا بتوانم وارد چالش‌های آن شده و مردم را نسبت به راهکارهای مختلف اقتصادی و اینکه چگونه زندگی آنها تحت تاثیر برنامه‌های توسعه کشور قرار می‌گیرد، آگاه کنم. همچنین می‌خواستم با سرآمدهای جهان امروز در ارتباط باشم. اقتصاددانان و متخصصان حوزه اقتصادی و بازارهای مالی، امروزه در راس نظام تصمیم‌گیری‌های اقتصادی هستند. هر چند موضوعات علم اقتصاد خشک و مشکل هستند، اما

هر کسی که در اقتصاد در یک روزنامه کار کند، جزء روزنامه‌نگاران خاص و منحصر به فرد تلقی می‌شود. بسیاری از روزنامه‌نگاران کار کردن در سرویس اقتصادی را رد می‌کنند، زیرا به نظرشان موضوعات آن مشکل است. خبرنگار حوزه اقتصادی بودن شغل خاصی است، زیرا فرد را در ارتباط با متخصصان هوشمند و رده بالا و افرادی که معلومات زیادی در حوزه تجارت و اقتصاد دارند قرار می‌دهد. « (Interview, September, ۲۰۱۲)

برای سه تن از خبرنگاران *The Nation* و یک خبرنگار *The Daily Times* انگیزه ورود به روزنامه‌نگاری اقتصادی میل به نگارش گزارش در حوزه‌ای کاملاً متفاوت و غیرمعمول (به خصوص متفاوت از حوزه گزارش‌های سیاسی) بود و برای دو نفر از خبرنگاران *The Daily Time* شرایط کاری موجب ورود آنها به این شاخه از روزنامه‌نگاری شده بود؛ آنها به دلیل کمبود نیرو در سرویس تجارت و اقتصادی، فرستاده شده بودند.

براساس این یافته‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که بسیاری از خبرنگاران و گزارشگران فعال در حوزه اقتصادی فاقد انگیزه درونی برای ورود به این حوزه بوده‌اند. تنها تعداد اندکی از آنها این حوزه را در اولویت اول انتخاب خود برای فعالیت روزنامه‌نگاری قرار داده بودند. این یافته‌ها ادعای مارچت (۲۰۰۵) را مبنی بر اینکه تخصص روزنامه‌نگارانه با نظام‌های دانشگاهی همخوانی و مطابقت ندارد، تقویت می‌کند زیرا هیچ شرایط رسمی برای ورود به این حوزه مقرر نشده است. برای روزنامه‌نگاران فعال در دو روزنامه مورد بررسی شرایط آکادمیک خاصی برای فعالیت در این حوزه وجود نداشته است.

جذب نیرو برای گزارشگری در حوزه خبری اقتصادی

از دبیران روزنامه سوال شد؛ «پیش‌شرط تحصیلی و آموزشی برای گزارشگری اقتصادی چیست؟ به عبارت دیگر دبیران با چه ملاکی به جذب نیرو در سرویس‌های اقتصادی

می‌پردازند؟» پاسخ دبیران نشان داد که داشتن تجربه در زمینه روزنامه‌نگاری بسیار مهم‌تر از داشتن پیش‌زمینه معلوماتی در حوزه تجارت و اقتصاد است. دبیر **The Daily Times** در این زمینه می‌گوید: «جذب نیرو برای سرویس اقتصادی چالش اصلی است. بسیاری از نهادهای آموزشی رسانه، آموزش‌های تخصصی در زمینه گزارشگری در حوزه اقتصاد ارائه نمی‌دهند. به همین دلیل معمولاً اغلب کسانی که ما به کار می‌گماریم آن دسته افرادی هستند که آموزش‌های اولیه را در زمینه روزنامه‌نگاری دیده‌اند و احتمالاً در آینده فرصتی خواهند یافت تا بتوانند به طور مشخص روی پوشش خبری در حوزه اقتصاد و تجارت کار کنند.

اغلب اوقات ما افرادی را مدنظر قرار می‌دهیم که در سطحی بالاتر از آموزش‌های بنیادین روزنامه‌نگاری معلومات و همچنین فرصت کافی برای گذراندن واحدهای درسی در زمینه گزارشگری در حوزه تجارت و اقتصاد را داشته باشند. علاوه بر این، ما معمولاً به تجربه فرد نگاه می‌کنیم و کسانی که پیش‌تر در سرویس اقتصادی مشغول به کار بوده‌اند برای ما در اولویت هستند.» (Interview, October, ۲۰۱۲)

از سوی دیگر، دبیر روزنامه **The Nation** ملاک جذب نیرو در سرویس تجارت و اقتصادی را داشتن مدرک اولیه مرتبط با این رشته و همچنین داشتن معلومات اقتصادی و تجاری برمی‌شمارد. او اذعان می‌کند که در نظر گرفتن شخصی با داشتن مدرک در رشته اقتصاد بسیار عالی است، زیرا معلومات او برای این سرویس بسیار حیاتی محسوب می‌شود و با ذکر نمونه مطلوب خود از مقاله‌های یک خبرنگار در حوزه اقتصادی که فارغ‌التحصیل رشته اقتصاد از دانشگاه مالاوی است، بر این دیدگاه خود تاکید می‌کند. در مقابل دبیر روزنامه **The Daily**

Times نیز با تاکید بر اینکه به‌کارگیری یک فارغ‌التحصیل رشته اقتصاد، در این سرویس بهترین گزینه است، به این موضوع اشاره می‌کند که فارغ‌التحصیلان این رشته معمولاً تن به

کار در روزنامه نمی‌دهند، چون با حقوق‌های بهتری می‌توانند در جای دیگر مشغول به کار شوند. او می‌گوید: این فارغ‌التحصیلان وقتی جای دیگری برای کار پیدا نمی‌کنند، به روزنامه می‌آیند.

به عقیده او، تا زمانی که میزان حقوق و مزایا و همچنین شرایط کاری در رسانه‌ها به سطحی نرسد که قابل رقابت با مشاغل بخش مالی و بازرگانی باشد، شانس نگهداری نیروهایی که در رشته اقتصاد و تجارت فارغ‌التحصیل شده‌اند، بسیار اندک خواهد بود. دبیر روزنامه **The Nation** با همکار خود در **Daily Times** در این زمینه که فارغ‌التحصیلان اقتصاد تمایلی به کار در اتاق‌های خبر ندارند و ترجیح می‌دهند وارد دنیای تجارت با حقوق‌های بالای آن شوند، همسوست. دفاعی که این دبیر از به کار گماردن فارغ‌التحصیلان رشته‌های اقتصاد و تجارت می‌کند و آن را گزینه ایده‌آل یک روزنامه در حوزه اقتصادی می‌داند، در تضاد با استدلال دبیر روزنامه **The Daily Times** است که اولویت را به خبرنگاران و گزارشگران باتجربه‌ای می‌دهد که در طول کار خود به یادگیری مباحث اقتصادی می‌پردازند و تبدیل به گزارشگر حوزه اقتصادی می‌شوند. به نظر او فارغ‌التحصیلان رشته اقتصاد و تجارت عاجز از تبادل اطلاعات با توده مردم هستند. او عقیده دارد یک روزنامه‌نگار با تجربه توانایی آن را دارد که به موضوعات از چشم و دیدگاه افراد عادی جامعه نگاه کند.

خبرنگار دیگری در روزنامه **The Nation** از این موضع دفاع می‌کند و معتقد است فارغ‌التحصیلان رشته‌های تجارت یا اقتصاددانان، بهترین گزینه ممکن برای گزارشگری در حوزه اقتصادی نیستند. وی می‌گوید: «درست است برخی افراد با داشتن مدرک فارغ‌التحصیلی در رشته اقتصاد توانسته‌اند به روزنامه‌نگاران موفقی در حوزه اقتصادی بدل شوند، اما اگر خوب به اطراف خود نگاه کنید، خواهید دید روزنامه‌نگارانی نیز بوده‌اند که پیش‌زمینه تحصیلاتی و

آموزشی در حوزه مباحث اقتصادی نداشته‌اند، ولی روزنامه‌نگاران موفق‌تری در حوزه اقتصادی از آب درآمده‌اند. به نظر من، ما باید اول از همه بفهمیم که روزنامه‌نگار چه کسی است؛ روزنامه‌نگار یک رابط است، حال چه در حوزه علم فعالیت کند و چه در حوزه سیاست، بنابراین در حوزه گزارشگری اقتصادی نیز هر کس که علاقه‌مند به حوزه خبری در این حوزه باشد می‌تواند فعالیت کند، اما مساله مهم این است که بتوان او را به گونه‌ای مجهز به معلومات کرد که توان فهم موضوعات را در این حوزه به دست آورد. به نظر من بهتر است برای این سرویس یک روزنامه‌نگار با تجربه داشته باشیم تا یک اقتصاددان فارغ‌التحصیل از دانشگاه. اگر شما معلومات پیشینی در حوزه اقتصاد و تجارت ندارید، اما به روابط حاکم بر این بخش علاقه‌مند هستید، می‌توانید تبدیل به یک رابط خوب برای موضوعات این بخش باشید. مهم این است که شما بتوانید رابط و مفسر خوبی برای مباحث مطرح در این حوزه باشید.» (Interview, October, ۲۰۱۲) بنابراین مشاهده می‌شود از میان ملاک‌های مورد بحث در مورد شرایط لازم افراد برای کار در سرویس اقتصادی یک روزنامه، داشتن تجربه روزنامه‌نگاری گوی سبقت را از سایر ملاک‌ها می‌رباید.

از میان خبرنگاران حوزه اقتصادی که در بالا مورد مصاحبه قرار گرفتند، تنها یک نفر دارای مدرک در رشته اقتصاد بود. این مساله نشان می‌دهد اگرچه داشتن تحصیلات در رشته اقتصاد یا تجارت در اولویت بوده اما آنچه بیش از همه ملاک‌ها، سرلوحه انتخاب نیرو در حوزه روزنامه‌نگاری اقتصادی قرار گرفته است، داشتن تجربه روزنامه‌نگاری بوده است. وضعیت حاکم بر دو روزنامه مالوایی موید نظر رید و لوین (۱۴: ۲۰۰۵) است که براساس آن اگر خبرنگاران قبل از ورود به حوزه تجارت در پوشش دادن به گزارش‌هایی در سایر سرویس‌های یک روزنامه تجربه داشته باشند، گزارشگران باتجربه‌ای محسوب می‌شوند که کمتر نیاز به راهنمایی و

جهت‌دهی دارند، حال آنکه گزارشگران جوان‌تر و تازه‌کار نیازمند مشاوره بیشتری هستند. تقریباً در چهار دهه گذشته ترنستال (۱۹۷۱:۲۴) به همین نکته اشاره کرده بود و فعالیت در حوزه گزارشگری تخصصی را پیش از هر چیز، مستلزم داشتن تجاربی کلی در زمینه روزنامه‌نگاری دانسته بود، نه داشتن معلومات تخصصی.

انتصاب و مشاوره به گزارشگران تازه‌کار در حوزه اقتصاد

دبیران هر دو روزنامه مورد بحث با دادن مشورت به خبرنگاران تازه استخدام شده در سرویس تجارت و اقتصاد موافق بودند و این مساله را در مورد هر سرویسی که به مسائل ویژه‌ای می‌پردازد، لازم دانستند. البته یکی از دبیران دادن مشورت را به طور منظم ناممکن می‌دانست زیرا معتقد بود بسیاری از روزنامه‌نگاران باتجربه در اغلب اوقات سرشان بسیار شلوغ است و نمی‌توانند به طور مداوم برای خبرنگاران وقت بگذارند.

وی اعتراف می‌کند که در چنین مواقعی توجیه و مشورت دادن به فرد تازه‌کار نادیده گرفته می‌شود و وی به حال خود رها می‌شود. او راه‌حل این موضوع را ارائه مداوم بازخورد از کار آنها به مسئول مربوطه‌شان می‌داند.

دبیر یکی دیگر از روزنامه‌ها می‌گوید: «روند مشورت دادن در سرویس تجارت و اقتصادی درست همانند مشورت دادن در سایر سرویس‌ها است البته با این تفاوت که بخشی از فرآیند مشورتی شامل توصیه به خواندن دقیق ادبیات حاکم بر اقتصاد و تجارت است تا فرد مورد نظر نسبت به آخرین تحولات این حوزه‌ها آگاهی به‌روز داشته باشد.» هرچند اغلب گزارشگران و خبرنگاران در این حوزه از نبود فرآیند مشورتی و هماهنگ‌سازی در زمان پیوستن خود به این سرویس‌ها گله می‌کنند.

مجموعه این یافته‌ها نشان می‌دهد اگرچه مشورت دادن روندی بسیار ضروری در فرآیند هماهنگ‌سازی حرفه‌ای گزارشگران حوزه تجارت است، اما این فرآیند در عمل، توقعات را برآورده نمی‌کند. اغلب خبرنگاران به این موضوع اشاره داشتند که بسیاری از چالش‌ها برای همراه شدن با خط مشی سرویس اقتصادی می‌توانست در صورت وجود فرآیند منظمی از مشورت دادن از بین برود. بسیاری از آنان می‌گویند در زمانی که تازه شروع به کار کرده بودند به دلیل نبود مشاور مجبور شدند، خودشان نسبت به حل مشکلاتشان اقدام کنند.

آموزش و تربیت گزارشگران حوزه اقتصادی

در این تحقیق، واژه آموزش در مورد آموزش دانشگاهی با تاکید بر جنبه‌های نظری به کار می‌رود و تربیت اشاره به وضعیت آموزشی دارد که محور آن جنبه‌های عملی حرفه است. در تربیت نیز بین دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدتی که در سمینارها و کارگروه‌ها برگزار می‌شود و دوره‌های آموزشی بلندمدتی که منجر به ارائه مدرک یا گواهینامه پایان دوره می‌شود، تمایز وجود دارد. یافته‌های این تحقیق نشان داد در حوزه آموزش رسمی، دو نفر از گزارشگران دو روزنامه مورد بحث، موفق به اخذ مدرک از The Malawi School Certificate of Education شده‌اند (معادل مدرک British GSCE O-level). یکی از گزارشگران The Daily Times دیپلم روزنامه‌نگاری داشت و یک گزارشگر در The Nation دارای مدرک لیسانس در رشته اقتصاد بود و دو گزارشگر (هر کدام متعلق به یکی از روزنامه‌ها) دارای مدرک لیسانس در رشته روزنامه‌نگاری بودند:

جدول شماره ۱: مدرک تحصیلی آکادمیک

سطح تحصیلات	شمار روزنامه‌نگاران (نفر)
مدرک معادل	۵
دیپلم	۱
لیسانس روزنامه‌نگاری	۲
لیسانس اقتصاد	۱

همان‌گونه که در جدول بالا نشان داده شده، کیفیت مدارک دانشگاهی، ارتباطی به حوزه کاری روزنامه‌نگاری اقتصادی نداشته و دبیران داشتن معلومات تخصصی در این حوزه را شرط لازم برای کار کردن در آن ندانسته‌اند.

پیش‌نیازهای حرفه‌ای

به جز یک نفر از گزارشگران، تمامی روزنامه‌نگاران که در این تحقیق مورد مصاحبه قرار گرفتند هیچ‌گونه معلومات پیشینی در زمینه تجارت و اقتصاد نداشتند. مدارک بقیه در رشته روزنامه‌نگاری بود که درجه مدارک از گواهینامه تا لیسانس را شامل می‌شد. (جدول شماره دو)

جدول شماره ۲: مدرک حرفه‌ای در حوزه اقتصاد یا بازرگانی

سطح تحصیلات	شمار روزنامه‌نگاران (نفر)
مدرک تحصیلی بازرگانی / اقتصاد	صفر
دیپلم بازرگانی / اقتصاد	صفر
لیسانس اقتصاد / بازرگانی	یک
لیسانس بازرگانی / اقتصاد	صفر

همان‌گونه که در جدول بالا نشان داده شده وجود خلأ معلوماتی در رشته اقتصاد و تجارت موجب شد گزارشگران به گذراندن دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت گزارشگری در زمینه اقتصادی روی بیاورند تا بتوانند الزامات کار در این حوزه را بیاموزند.

دوره‌های کوتاه‌مدت حرفه‌ای

تمامی گزارشگران شرکت‌کننده در مصاحبه اظهار کردند که در دوره‌های کوتاه‌مدت آموزشی شامل کارگروه‌ها و سمینارها شرکت کرده‌اند. موضوعاتی که در جریان این آموزش‌ها تحت پوشش قرار می‌گرفت عبارت بود از نادرستی گزارش، گزارش و تحلیل بودجه، گزارش اخبار اقتصادی، جهانی‌سازی، فهم بحران‌های مالی در جهان و گزارشگری در حوزه اقتصاد ملی. اغلب این دوره‌های آموزشی به‌صورت محلی برگزار شده و توسط نهادهای زیر سازماندهی شدند:

دانشگاه مالاوی، بانک مرکزی مالاوی، بانک ملی مالاوی، استاندارد بانک، دفتر مدیریت تدارکات عمومی، اداره درآمد ملی، انجمن اقتصاددانان مالاوی، فدراسیون اتاق‌های بازرگانی و صنایع مالاوی، سازمان بورس و اوراق بهادار مالاوی و سایر موسسات و نهادها نظیر بانک جهانی، آژانس توسعه بین‌المللی کانادا و آژانس ایالات متحده آمریکا برای توسعه بین‌المللی (

USAID)

برخی از گزارشگران اعلام کردند که در دوره‌های کوتاه‌مدت خارج از کشور که توسط نهادهای بین‌المللی سازماندهی شده بود، شرکت کردند. نهادهایی نظیر بنیاد رویترز، اتحادیه اروپا، بانک توسعه آفریقا، بانک مرکزی آفریقای جنوبی و بورس ژوهانسبورگ.

دو دبیر روزنامه‌های مورد بحث اذعان کردند که برخی از رسانه‌ها به دلیل مشکلات نقدینگی در

حمایت مالی از گزارشگران برای گذراندن دوره‌های حرفه‌ای در داخل یا خارج از کشور مشکل

داشتند. به همین علت آنها گزارشگران را تشویق می‌کردند تا هر گونه فرصتی را که تامین کلیه مخارج دوره‌های آموزشی را برعهده می‌گیرد، فوراً به چنگ آورند. آنها گفتند بعضی اوقات سازمان متبوع آنها در مواردی که نمی‌توانست شهریه دوره‌ها را پردازد، سعی می‌کرد بخشی از هزینه‌ها شامل هزینه سفر یا ایاب و ذهاب را برعهده بگیرد.

تربیت درون‌سازمانی

دبیر روزنامه The Daily Times می‌افزاید علاوه بر گروه‌های آموزشی داخل یا خارج کشور، برخی اوقات از دفاتر نهادهای تجاری یا اقتصادی دعوت می‌شد تا برای گزارشگران اقتصادی سخنرانی کنند. این سخنرانی‌ها که با ارائه مشاوره و آموزش همگام‌سازی یا جامعه‌پذیری همراه بود، بسیار مفید واقع شد. یکی از گزارشگران روزنامه The Nation در این زمینه توضیح می‌دهد: «وقتی وارد سرویس اقتصادی در روزنامه شدم معلومات و تجربه کاری مورد نیاز این سرویس را نداشتم. این آموزش‌ها موجب شد تا چشمان من باز شود و به من کمک کرد تا موضوعات مطرح در حوزه اقتصادی را بفهمم. فکر می‌کنم همین آموزش‌ها بود که مرا یاری کرد تا آنچه امروز هستم باشم.» (Interview, October ۲۰۱۲)

بسیاری از گزارشگران اذعان کردند که دوره‌های آموزشی موجب شد آنها معلومات جدیدی در حوزه تجارت کسب کنند و به آنها ژرف‌نگری و اعتمادبه‌نفس داد.

عضویت در سازمان‌های حرفه‌ای

یکی دیگر از عواملی که توسط گزارشگران مفید دانسته شد، همگام‌سازی و آموزش آنها از طریق به عضویت درآوردن‌شان در انجمن‌های حرفه‌ای بود. یکی از این انجمن‌ها، انجمن

روزنامه‌نگاران حوزه اقتصادی ABJ^۱ است. یکی از گزارشگران عضویت خود را در این انجمن عامل بسیار موثری در کیفیت کار روزنامه‌نگاری خودش قلمداد کرده است: «این انجمن از طریق تبادل دیدگاه‌ها و برگزاری گفت‌وگوهای جمعی در مکان‌هایی که افراد حرفه‌ای در حوزه اقتصاد تجارت و بازارهای مالی حضور دارند، اقدام مهمی برای ارتقای سطح حرفه‌ای روزنامه‌نگاران حوزه اقتصادی انجام داده است. همچنین اعضای این انجمن از فضای گفت‌وگوهای شبکه‌ای، تعاملی، بحث و به اشتراک‌گذاری معلومات اعضا در مورد موضوعات مطرح در حرفه روزنامه‌نگاری اقتصادی و همچنین گفت‌وگو با سایر انجمن‌ها برای گذراندن دوره‌های آموزشی، بهره می‌برند.» (Interview, October, ۲۰۱۲)

تعلیم و تربیت گزارشگران مورد نیاز

با وجود آموزش‌هایی که به گزارشگران در حوزه اقتصادی و تجارت داده شده، آنها خواهان آموزش‌های بیشتری به ویژه در مواردی که برای آنها چالش‌برانگیز است، هستند. این موارد شامل سیاست پولی، نظام‌های بین‌المللی بازار مالی، جهانی‌سازی، تفسیر بودجه ملی، بازارهای کالا و اوراق قرضه، تفسیر آمارها و تحلیل گزارش‌های مالی شرکت‌ها است. این مساله نشان می‌دهد آموزش‌های ارائه شده همچنان دارای خلأ است هرچند همین آموزش‌ها نیز تا حد زیادی نشان می‌دهد، دو روزنامه مورد بحث در این تحقیق، توانسته‌اند ظرفیت خود را برای پوشش گزارش در حوزه اقتصادی ارتقا دهند.

بحث درباره یافته‌ها

به‌طورکلی یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که اغلب روزنامه‌نگاران حوزه اقتصادی در دو روزنامه مورد بحث فاقد انگیزه درونی برای ورود به این حوزه بوده‌اند. اغلب آنها کار خود را با

گزارشگری در حوزه عمومی شروع کرده‌اند و تعداد اندکی نیز به روزنامه‌نگاری اقتصادی به مثابه گزینه‌ای برای پر کردن سابقه کاری خود در حوزه روزنامه‌نگاری نگریسته‌اند. برخی دیگر با انگیزه گریز زدن از کارهای معمول و متعارف روزنامه‌نگاری به ویژه در حوزه گزارشگری سیاسی به این حوزه روی آورده‌اند و برخی دیگر تحت اجبار شرایط، مثلاً کمبود نیرو در سرویس اقتصادی، وارد این حوزه شده‌اند. همچنین این تحقیق نشان داد که گزارشگران اقتصادی سابقه تحصیلاتی و حرفه‌ای متفاوتی با موضوعات این حوزه داشته‌اند. در عین حال، دبیران دو روزنامه مورد تحقیق اذعان کردند که استفاده از فارغ‌التحصیلان رشته‌های بازرگانی یا اقتصاد را برای کار در این حوزه ترجیح می‌دهند. یک نتیجه محوری حاصل از این تحقیق به رسمیت شناختن نقش تعلیم و آموزش به عنوان ستون اصلی همگام‌سازی حرفه گزارشگران حوزه اقتصادی است. کاریتی (۱۹۹۵:۳۷۶) خاطر نشان می‌کند بر اساس مطالعات صورت گرفته، مشخص شده که چگونه روزنامه‌نگاران آفریقایی خود را با نیازهای روزنامه‌نگاری حوزه اقتصادی هماهنگ کرده‌اند حال آنکه فاقد مهارت‌های فنی برای نوشتن گزارش‌های جامع و ارائه تحلیل در مورد موضوعات تجارت و اقتصادی هستند. از آنجا که فهم موضوعات اقتصادی و تجاری نیازمند داشتن پیش‌زمینه‌های معلوماتی در زمینه عوامل موثر بر بازار و همچنین تفسیر اطلاعات برای عموم مردم است، روزنامه‌نگاران حوزه اقتصادی نیازمند تعلیم و آموزش در این زمینه هستند. همان‌گونه که پارادو (۲۰۰۴) اشاره کرده است تا زمانی که آموزش‌ها در حوزه گزارشگری اقتصادی به طور تخصصی در برنامه‌های روزنامه‌نگاری قرار نگیرد، شکاف بین آنچه دبیران از یک گزارش می‌خواهند با آنچه نویسندگان و فارغ‌التحصیلان با بضاعت علمی اندک به آنها ارائه می‌دهند، همچنان بر جای خود باقی می‌ماند.

یکی از کارهای دیگری که در این زمینه می‌توان انجام داد گنجاندن برنامه تخصصی آموزش روزنامه‌نگاری در میان دروس روزنامه‌نگاری در دانشگاه‌هاست به طوری که از سال سوم رشته روزنامه‌نگاری، آموزش‌ها شکل تخصصی به خود بگیرد. البته این به معنای دست‌کم گرفتن تجربه‌های حاصل از کار عملی در حوزه روزنامه‌نگاری نیست. همان‌گونه که در این تحقیق نشان داده شد بسیاری از روزنامه‌نگاران این حوزه بدون داشتن دانشی پیشین در این زمینه وارد این حوزه شده بودند. از دیگر اقدامات بایسته در این زمینه تقویت اقدامات مشورتی و ایجاد انگیزه برای آموزش در میان روزنامه‌نگاران این حوزه است. همچنین سازمان‌های رسانه‌ای باید از فارغ‌التحصیلان رشته‌های اقتصادی و بازرگانی برای تعلیم دادن به روزنامه‌نگاران این حوزه استفاده کنند.

حوزه‌هایی برای تحقیق بیشتر

پرسش‌هایی که برای تحقیق بیشتر روی موضوع قابل طرح هستند عبارتند از:

عموم مردم مالوای از اخبار حوزه اقتصادی چه می‌فهمند و چه استفاده‌ای از آن می‌کنند؟

اخبار حوزه تجارت چگونه توسط مخاطبان ارزیابی می‌شود؟

چگونه این اخبار به شکل‌گیری و گسترش دیدگاه عمومی در زمینه اقتصاد کمک می‌کند؟

این اخبار چه تاثیری بر گفتمان مدنی حوزه‌هایی می‌گذارد که بر جامعه تاثیرگذار هستند؟

نتیجه‌گیری

تحقیقات زیادی در زمینه روزنامه‌نگاری اقتصادی انجام شده و اغلب آنها بر محتوای این نوع روزنامه‌نگاری متمرکز شده‌اند. تعداد اندکی از این تحقیقات روی مسئولیت افرادی که در این زمینه قلم می‌زنند و مطلب می‌نویسند به پژوهش پرداخته‌اند. این گزارش سعی کرد سهمی هر

چند کوچک در این زمینه داشته باشد. یافته‌های این گزارش برای دبیران روزنامه‌ها که نیازمند ارزیابی روند کاری خود در استخدام و تعلیم و تربیت روزنامه‌نگاران حوزه اقتصادی هستند و همچنین برای مدارس روزنامه‌نگاری که به تعلیم این گزارشگران مشغول هستند می‌تواند مفید واقع شود.

منابع و مآخذ:

- ۱۹۹۶.....
- ۱۹۹۲. ۱۹۹۴.....
- (۲۰۰۵) 'Business Reporting in Malawi Media', in
- ۲۹. ۳۱.....
- (۲۰۰۵). 'Rethinking the African Press: Journalism and the Democratic Process', in Kareithi, P. and
- ۲. ۱۵.....
- ۱۹۹۵. "Questioning the Policy maker: The Role of Mass Media in Shaping Africa's Economic Future", in Okigbo, C. (ed.) *Media and Sustainable Development in Africa*... ۱۴۰. ۱۶۶.....
- (۲۰۰۳) 'Business and Economics Journalism',

..... ۱۵۳.۱۶۱.....

..... ۲۰۰۷.....

..... ۲۰۰۴.....

..... ۱۹۹۹.۲۰۰۱.....

..... (۲۰۰۲) 'Business Journalists Need Specialised Finance Training', Newspaper Research Journal, Vol...
۲۳..۲...۱۲۹.۱۴۱..

..... (۲۰۰۵) 'Sub.fields of Specialised Journalism', in
..... ۶۴.۷۹.....

..... ۲۰۰۷.....

..... ۲۰۱۲.....

..... (۲۰۰۴) 'Most Business Editors Find News Reporters Unprepared', in Newspaper Research Journal.,
..... ۲۵.۳...۶۶.۷۶..

..... ۲۰۰۵

..... ۲۰۰۴

..... ۲۰۰۶

..... ۱۹۹۵

..... (۱۹۸۹) "Journalistic education and professional socialisation". *Gazette*.. ۴۳. ۳۱.۵۲.

..... ۱۹۷۱

..... (۲۰۰۱) 'Writing about Business and the Economy', in
.....
..... ۱.۱۲

..... ۲۰۰۳